

جوهر در سنت تجربه‌گرایی جدید

علیرضا جوانمردی ادیب^۱، محمد اکوان^۲

چکیده

رویکرد معرفتی تجربه‌گرایی در عصر جدید در برابر رویکرد عقل‌گرایی دکارت و پیروان وی - که قائل به وجود تصورات و اصول نهادی پیش از تجربه در نهاد انسان بودند - قرار گرفته است. متفکران این رویکرد با انکار تصورات و اصول نهادی و نیز سرچشمه قراردادن تجربه حسی به بررسی مسائل متافیزیکی که نزد عقل‌گرایان مطرح بود پرداخته‌اند.

حاصل این بررسیها در اوج خود درباره جوهر چیزی جز انکار آن را بارمغان نداشته است. از اینرو با توجه به سیر تحول تجربه‌گرایی نزد پیشروان این رویکرد و پیامدهای منتهی به آن، در پاسخ به پرسش بنیادین این مقاله که آیا با پذیرش قرائت خاص تجربه‌گرایی همچون لاک، برکلی و هیوم از روند کسب معرفت، امکانی برای پذیرش جوهر باقی میماند یا خیر؟ باید گفت همانطوری که در سیر بررسی جوهر در نزد این متفکران مشاهده شد پذیرش جوهر با اتخاذ رویکرد تجربه‌گرایی سازگار نیست چرا که جوهر یک امر فراتجربی است که تجربه حسی صرف

۱۲۷

۱. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)؛ javanmardadib@yahoo.com

۲. دانشیار گروه فلسفه غرب دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی؛ m_akvan2007@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۹ تاریخ تأیید: ۹۴/۱۲/۴



نمی‌تواند بدان دست یابد. آنچه از تجربه حسی در نهایت امر برمی‌آید چیزی جز مجموعه‌یی از تأثرات نیست که آنهم نمی‌تواند حکایت از هستی جوهر داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: جوهر، عقلگرایی، تجربه‌گرایی، کیفیات اولیه، کیفیات ثانویه، لاک، برکلی، هیوم

* * *

مقدمه

شناخت منظومه معرفتی اندیشمندان خود تا حدّ زیادی می‌تواند زمینه‌ساز رهیابی به نحوه نگرش آنان درباره هستی و مسائل پیرامون آن گردد. جوهر بعنوان بنیادترین مسئله مابعدالطبیعی از جمله مباحثی است که می‌توان آن را بصورت موردی با توجه به رویکردهای معرفتی اندیشمندان مختلف همچون تجربه‌گرایان مورد بررسی قرار داد.

آثار فلسفی تجربه‌گرایانی همانند لاک، برکلی و هیوم نشاندهنده پاسخ و واکنشی است که این متفکران در قبال عقلگرایی^۱ اروپایی از خود نشان داده‌اند. بدینسان داشتن تصور دقیق از تجربه‌گرایی^۲ عصر جدید در پرتو داشتن فهم درست از دیدگاه مقابل آن یعنی عقلگرایی و مقایسه این دو دیدگاه در نحوه حصول معرفت امکانپذیر است، ازاینرو در بررسی پرسش بنیادین این مقاله که آیا با پذیرش قرائت خاص تجربه‌گرایانی همچون لاک، برکلی و هیوم از روند کسب معرفت، امکانی برای پذیرش جوهر باقی میماند یا خیر؟ ابتدا به بیان عقلگرایی در عصر جدید از دیدگاه پیشرو آن یعنی دکارت و جوهر در منظومه معرفتی وی پرداخته میشود. سپس دیدگاه تجربه‌گرایی مطرح و در ادامه به جوهر بعنوان یک مفهوم متافیزیکی در منظومه معرفتی تجربه‌گرایانی چون لاک، برکلی و هیوم توجه داده میشود و در نهایت به پرسش بنیادین این مقاله پاسخ داده خواهد شد.

عقلگرایی بمعنای عام کلمه و در شکل افراطی آن به دیدگاه کسانی اطلاق میگردد که تنها راه حصول معرفت را نتیجه فرایند تفکر عقلی محض جدای از

1. rationalism

2. empiricism